

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی، در جستجوی زبان فطرت سینما و ظهور عقل تکنیکی در دوربین انقلاب اسلامی، لطفا راهنمایی بفرمایید. چنین دوربینی چه می بیند؟ و ما را به کجا دعوت می کند؟ و چگونه حضوری را برای ما رقم می زند؟ همانطور که دوربین سنتهای جاری در عالم را می بیند و ضبط می کند، وجود انسان هم ضبط کننده است. و همین ویژگی ذاتی به دوربین هویتی زنده از جنس حضور تاریخی می دهد. دوربین اگر چه ظاهری را ضبط می کند ولی با نحوه ی ضبط کردنش باطنی را نشان می دهد. دوربین در دل صحنه ها به دنبال معنا و مأوا به حرکت در می آید و از طریق حرکت و سکون در مواجهه با آنچه در برابرش قرار گرفته است، با ما صحبت می کند و با جهت گیری و زاویه ی نگاه و قاب تصویر، ارزش گذاری و حس وجودی اش را بیان می کند. دوربین حس بودن را بیان می کند و نسبت به داستان در موقعیتی قرار می گیرد و تصاویری را به نمایش در می آورد که جهت گیری وی را نسبت به تجلیات حق آشکار می کند. دوربین اگر ایمان و قدرت ایمان را بشناسد می تواند حیات حقیقی را در ایمان قوی عبودیت نشان بدهد. اینکه دوربین تلاش کند چیزی را شریکِ حق نگرداند و نگاهش پیوسته وحدت وجود را بیان کند، ایمان و عرفان دوربین را می خواهد. عرفان نسبت ها و رابطه هایی را در میدان دید قرار می دهد تا هویتی از جنس تجلی آشکار شود. این نسبت ها در تکنیک سینما با داستان، حرکات دوربین، شخصیت ها و مکان ها تعریف می شود. از آنجایی که انسانیت شاعرانگی است، در یک اثر سینمایی که می خواهد به شعر نزدیک شود، همگی این عناصر شعور دارند و حریم انسانیت را نگه می دارند و البته بیشترین انسانیت باید در نگاه دوربین باشد. قلب تپنده ی دوربین با جاذبه و دافعه زنده است. دوربین در داستان جذب زیبایی ها می شود، و چه چیزی زیباتر از قلبی که با ایمان زینت یافته است. ایمان و استقامت ورزیدن در آن به قدری جذاب است که بر طبق آیات قرآن فرشتگان را به طرف خود می کشاند. از این رو فیلم های مختلفی در سراسر جهان با استفاده از این تکنیک و به تصویر کشیدن ایمان قهرمان، مخاطبان را جذب کرده اند. زیرا فطرتاً ایمان زیباست. از طرفی زیبایی قلب مؤمن از عرش رحمان است و مقام تدبیر عالم قدس. و انسان مؤمن برای حفظ حریم نور مقدسی که در قلبش تابیده است تا عرصه شهادت به پیش می رود. پس برای نشان دادن این زیبایی، دوربین حفظ حریم ها را نشان می دهد. چرا که حریم نسبت ارتباط ابعاد وجودی انسان با حقیقت است، از درون تا بیرون. پس برای رسیدن به حرم امن الهی در تکنیک سینما، صحبت از شعور می شود، و شاعرانگی در حرکات دوربین و تصاویر ظهور می کند. تصویری که دوربین نشان می دهد. همان نگاهی است که کثرت را به وحدت می برد. از طرفی اگر چه نشان دادن

تصویر به صورت دو بعدی به فضای نقاشی و خیال نزدیک تر است و نشان دادن آن به صورت سه بعدی، دنیای مادی و ظاهری را بیشتر تداعی می کند. ولی از آنجا که حقیقت بی نهایت بعد دارد و یا به عبارت بهتر بی نهایت وجه و در دعای جوشن کبیر حقیقت، با بی نهایت اسم خوانده می شود، فرم حقیقی می تواند از سه بعد عبور کند و ماوراء سه بُعد یعنی بی نهایت بُعد را نشان دهد. از آنجایی که باطن عالم صورت حق است، دوربین به جای اینکه گوش نشان دهد، شنیدن را نشان می دهد و در حالت خلوص مظهر «السمیع» می شود. در هر صورت حرکات دوربین حالی را منتقل می کند که در آن اسم «الباعث» به صحنه می آید و بر انگیزتگی در مخاطب پدیدار می شود. «یا باعث و یا وارث» و دوربین می تواند به قدری بی گناه به عالم بنگرد، که مخاطب را وارث فضای پاک فیلم کند. دوربین جامع تر و ملکوتی تر می بیند و با جزئیات بیشتر، ظرافتی را نشان می دهد که فراتر از ادراک حضور لحظه ایی انسان در صحنه است. دوربین چشم خداست. پاک است. زیبا می بیند. و جایی که چشم گناه می کند، دوربین در چشم بازیگر قرار نمی گیرد و زاویه دید او را نشان نمی دهد. دوربین خطاپوش است و نواقص را دنبال نمی کند و فقط برای عبرت متذکر می شود. دوربین مومن است می خواهد خودش را در نور مومن دیگر ببیند و هر کجا کمالات می بیند تأمل می کند. هر جا انسانیت، بندگی و عبودیت می بیند، محو تماشا می شود و «ما رأیت الا جمیلا» می گوید. و دوربین نیروی حرکت الهی است، که در صحنه جاری است آنگاه که ظالمی را متوقف می کند. و از طرفی ظهور زیبایی حقیقی در تکنیک سینما بر حرکت استوار است؛ و حرکت معقولی است که به حس در می آید، چه حرکت وضعی دوربین و حرکت انتقالی بین صحنه ها و تصاویر به کمک تدوین. حرکت ریشه در حس وجودی موجودات دارد، که در خاصیت های مختلف به ظهور می آید. و دوربین با نوع حرکتش مخاطب را در حس وجودی مربوط به همان حرکت حاضر می کند. حس کشیده شدن، پاره شدن، در هم تنیده شدن، تحمل کردن فشار و معلق بودن در هوا. حرکت حتی می تواند حس پرستش گونه ایی را به تصویر بکشد و مانند پروانه ایی که به دور شمع می گردد به دور تجلیات حق بگردد و حس شوق و طلب آسمانی شدن را منتقل کند و مظهر اسم «الواسع» شود. از طرفی حرکت صورت فیض حق بر طبق استعداد تعینات است. و در صحنه هایی از داستان، نحوه ی حرکت دوربین می تواند صورت فیض حق باشد. و رعایت قاعده ی عمل و عکس العمل، دعا و اجابت دعا، طلب و افاضه ی فیض، نوع حرکت را تکمیل می کند و معنا را حقیقی تر منتقل می کند. و هر چقدر حرکات دوربین پیچیده تر باشد معانی متفاوت تری را منتقل می کند و حرکت ساده ی دوربین در کنار حرکات پیچیده و منحنی می تواند هندسه ی حرکتی غنی تری را در کنار معنای عمیق تر ارائه کند. حرکت و سکون دوربین می تواند معنای معنی و تقابل را هم القا می کند و متناسب با معنای تصویر و حرکت آن، هم راستا بودن و غیر هم راستا بودن، سازگاری و ستیز، پذیرش و گریز، جاذبه و دافعه را هم مطرح کند. از طرفی چه حرکت دوربین نوع حضور فیزیکی را می تواند منتقل کند. اما حرکت دوربین شوق و نگرانی های دل هم است. در روایت آمده است که هر کجا چشم برود، دل هم می رود. بنابراین دوربین تنها حضور

چشم نیست، حضور دل است. همچنین هندسه و سرعت حرکت اگر متناسب با دستگاه ادراکی انسان باشد، حس امنیت و تعادل و اگر نامتناسب با آن باشد حس عدم امنیت و عدم تعادل را منتقل کند. هر چند که دوربین باید از حرکات نمایشی و خودنمایی پرهیز کند و با تقوی باشد و خروجی از تاریکی به نور داشته باشد.

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: نکات بسیار خوبی را در رابطه با «دوربین» متذکر شدید وقتی به گفته جنابعالی دوربین از حرکات نمایشی و خودنمایی‌ها پرهیز کند. آری! همچنان که در متون دینی خود داریم حضرت عیسی «علیه السلام» به یاران خود فرمودند: «به دندان‌های سفید آن لاشه بنگرید» و افق دیدها را به سویی راهنمایی کردند که نگاه بر زیبایی‌ها است؛ می‌توان جایگاه دوربین را نیز در این تاریخ و در این زمان آن‌طور معرفی نمود تا انسان‌ها با چشم دوربینی که بر شانه سالکی چون شهید آوینی است، واقعیت‌ها را بنگرد. و این رسالت بزرگی است که افراد می‌توانند در این تاریخ از طریق دوربین به نمایش بیاورند و به یک معنا «وقت»، وقتِ دوربین در فضای مجازی است تا حقیقت در آینه همین صحنه‌ها به نمایش آید. مهم آن است که متوجه شویم تا کجاها می‌توان از دوربین متذکر اموری شد که در عین ظاهر بودن، باطن هستند و این معجزه «دوربین» است وقتی در اختیار شهید آوینی‌ها باشد. بهتر می‌دانم که رفقا همین متنی را که نوشته‌اید، دوباره بخوانند و در باره آن فکر کنند تا معلوم شود در کجا می‌توان ایستاد و در آن‌جا دوربین را بر دوش گذاشت که آن‌جا، هر جایی نیست و متفکران اصیل امروز جهان متوجه چنین امری شده‌اند، هرچند شیطان نیز در فهم استعداد دوربین بیگانه نیست و راه ما راهی است که از چشم شیطانی عبور کنیم و با چشمی که در دل واقعیات، حقیقت را برجسته می‌کند؛ عالم را بنگریم و این از توانایی‌های امروزین دوربین در تکنیک سینما خواهد بود. پیشنهاد می‌شود بحث «نگاهی پدیدار شناسانه به تکنیک سینما» <https://eitaa.com/matalebevijeh/9541> ملاحظه گردد. موفق باشید